

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال نهم، شماره‌ی سی و چهارم، زمستان ۱۳۹۶، صص ۹۷-۱۲۴

شناسایی و معرفی هویت‌های چندلایه شخصیت‌های انسانی نقوش سنگی بنای قاجاری قلعه چالستر

مهین سهرابی نصیرآبادی^۱، فاطمه مسیبی^۲

چکیده

بنای «قلعه چالستر» چهارمحال و بختیاری مزین است به تزئینات سنگی متنوع و منحصر به فرد با موضوعات گیاهی، انسانی و حیوانی. در تزئینات این بنای قاجاری رد پای الگوهای سه‌گانه ملی، مذهبی و فرنگی دوره قاجار مشاهده می‌شود، خصوصاً در نقوش انسانی. چگونگی قرابت نقوش انسانی این بنا با الگوهای سه‌گانه‌ی عمومی یادشده وقتی تحت تأثیر شاخصه‌های بومی منطقه چهارمحال و بختیاری قرار می‌گیرد موضوع و محور این پژوهش موردی-کاربردی است؛ و هدف از انجام آن شناخت و نگاهی نو به هنر تزئینی قاجار در تزئینات معماری است. لذا فرضیه‌ی حفظ اصالت‌های قاجاری در عین متأثر گردیدن از فرهنگ بومی منطقه در تزئینات سنگی این بنا در جامعه آماری معادل ۳۶ کادر تزئین سنگی با نقش انسانی مورد آزمون واقع شده است. در این تحقیق موردی، روش مستندنگاری و مشاهدات میدانی، با اتکا به اطلاعات کتابخانه‌ای، داده‌هایی را به دست داده که به روش «توصیفی-تحلیلی» به تحریر درآمده است. بررسی وضعیت موجود اثر و مطالعات، علاوه بر توصیف و دسته‌بندی نقوش بر مبنای الگوهای سه‌گانه ملی، مذهبی و فرنگی، منجر به کشف رموز، و تبیین نادیده‌ها و ناگفته‌ها در باب این نقوش شده و مبتنی بر این است که در این تزئینات «گونه محلی-بومی بختیاری» همپای سبک قاجاری در قالب الگوهای سه‌گانه‌ی یادشده حضور دارد. اصول و قواعد طراحی و اجرا در نقوش

۱. استادیار گروه صنایع دستی، دانشگاه الزهرا (س) (ma.sohrabi@alzahra.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد صنایع دستی، دانشگاه الزهرا (س) (fatima.mo40@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۲۴ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۴/۳۰

یادشده در راستای عملکرد بخش‌های مختلف بناست و نگرش بومی قوم بختیاری را نسبت به زمان و مکان خود و جایگاه یک بنای نیمه‌رسمی به خوبی نمایان می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: شاخصه‌های عمومی و بومی، دوره قاجار، الگوهای ملی و مذهبی و فرنگی، تزئینات سنگی، نقوش انسانی، قلعه چالستر، چهارمحال و بختیاری

۱. مقدمه

دوره قاجار همزمان سه الگوی ملی، مذهبی و فرنگی را در فرهنگ و هنر ایران جای داده است. در این راستا قلعه چالستر بنایی قاجاری است که این سه الگو را در تزئینات خود به همراه خصایص بومی خود به نمایش گذارده است. این بنا مزین به تزئینات مختلفی نظیر آجرکاری، نقاشی دیواری، موزاییک‌کاری، گره‌چینی و حجاری است و هر کدام از این تزئینات، از جمله تزئینات سنگی (کنده‌کاری و حجاری‌ها)، دارای زیرمجموعه‌هایی از حیث نقوش به‌کاررفته هستند، شامل نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی. در پژوهش حاضر صرفاً به بررسی نقوش انسانی پرداخته شده است، که با مدد از پوشش ظاهری، گونه‌های مختلف شخصیتی از انسان‌های عصر قاجار را در قالب ملی، مذهبی و فرنگی به نمایش درآورده است. موقعیت مکانی و نحوه توزیع نقوش انسانی در این بنا تصادفی نیست و کاملاً هدفمند به اجرا درآمده‌اند، چنان‌که تمرکز نقوش انسانی در قسمت ورودی بنا است، که محلی برای کنترل ورودیه‌ها و خوش‌آمدگویی است. علاوه بر پوشش ظاهری نقوش انسانی، نشانه‌های زیبایی‌شناسانه‌ی قابل تأملی در این تزئینات وجود دارد که در تعیین ماهیت نقوش مؤثر است.

ضرورت و اهمیت این پژوهش از آن سبب است که این بنای کم‌نظیر و تزئینات خاصش یک میراث فرهنگی ملموس است و بازخوانی و دریافتی نو از میراث فرهنگی ناملموس هنر ملی را موجب می‌گردد، و لذا بررسی و مطالعه نقوش یادشده از منظر ارزش‌های فرهنگی، هنری و تکنولوژیک می‌تواند ضمن فزونی شناخت و آگاهی فرهنگی، منجر به حفظ و احیای ارزش‌های ملی-میهنی شود.

در این تحقیق موردی، هدف شناخت جنبه‌های ناشناس و غریب هنر قاجار و تأثیرات فرهنگ بومی منطقه چهارمحال و بختیاری بر عناصر هنری بنا از طریق پاسخ‌دهی به پرسش‌های زیر پی گرفته شده است:

- نسبت نقوش انسانی قلعه چالستر با الگوی سه‌گانه ملی، مذهبی و فرنگی دوره قاجار چگونه است؟
- شاخصه‌های بومی و قومی چهارمحال و بختیاری چگونه در نقوش انسانی تزئینات سنگی قلعه چالستر رخ نموده است؟
- عناصر زیبایی‌شناسانه در نقوش انسانی تزئینات سنگی قلعه چالستر چگونه اعمال شده‌اند؟

این تحقیق بر پایه روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است. روش تحقیق کتابخانه‌ای-میدانی بوده و بسیاری از اطلاعات به‌دست‌آمده حاصل مشاهده مستقیم، جمع‌آوری و دسته‌بندی داده‌های جامعه آماری مد نظر - ۳۶ کادر از تزئینات سنگی - است.

در زمینه معرفی تزئینات سنگی بنای قلعه چالستر کتاب یک خانه در نقش تألیف حسن یزدان‌پناه در سال ۱۳۹۳ توسط انتشارات گلدسته اصفهان منتشر شده است که این کتاب جنبه‌های نمادین تمامی تزئینات را معرفی و مستندسازی کرده است. در کتاب/خراسان تا بختیاری، نوشته هانری رنه دالمانی، که در سال ۱۳۷۸ توسط انتشارات طاووس منتشر شده و شرح سفر سیاح فرانسوی به منطقه چهارمحال و بختیاری است، اشاراتی به موقعیت خدارحم‌خان و قلعه چالستر همچنین مناسک و تفریحات منطقه از جمله شکار شده است. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد اردشیر آخوندی تحت عنوان «قلاع استان چهارمحال و بختیاری» با راهنمایی خانم دکتر «سوسن بیانی» در سال ۱۳۷۲ نیز به معرفی قلعه چالستر و تزئینات آن پرداخته است.

۲. شناخت قلعه چالستر

واژه «قلعه» در استان چهارمحال و بختیاری به خانه حاکمان محلی اطلاق شده است که

هدف از ساخت آنها تأمین زندگی اشرافی خوانین بوده است.^۱ بنای قلعه چالشر جزء مملکات خدارحم خان از خوانین قدرتمند منطقه چهارمحال است. یکی از دلایل قدرت او مرتبط شدن با خاندان سلطنتی^۲ و دلیل دیگر اهمیت و نفوذ خوانین منطقه چهارمحال و بختیاری در وقایع مشروطیت است.

با توجه به چنین موقعیت و قدرتی، الگوبرداری از تزئینات کاخ‌ها و عمارات شاهان قاجار برای آراستن این بنا امری بدیهی است، چنان که در زمینه استفاده از نقوش انسانی در قسمت ورودی، هشتی و اطراف حوض خانه احمدخان، انواع سه‌گانه تزئینات متداول در عصر قاجار یعنی نقوش با مضامین ملی، فرهنگی و مذهبی به کار گرفته شده است. از طرفی با توجه به موقعیت و قدرت خوانین منطقه چهارمحال، عناصری محلی در ترکیب با این تزئینات سنگی لحاظ شده است. مؤلفه‌هایی چون پوشش و البسه، و عناصر زینتی، (الگوهای پوششی) تفکیک و شناخت هویت هر یک از گروه‌های انسانی را مقدور ساخته است (تصویر ۱).



تصویر ۱. ورودی اصلی قلعه چالشر (نگارنده)

۱. اردشیر آخوندی، (۱۳۷۲)، «قلاع استان چهارمحال و بختیاری»، به راهنمایی دکتر سوسن بیانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ص. ۵۹.
۲. احمدخان پسر خدارحم خان با ملکه هما دختر ظل‌السلطان ازدواج می‌کند.

۳. نقوش انسانی تزئینات سنگی قلعه چالستر

نقوش انسانی که در تزئینات معماری قاجاری دیده می‌شوند انعکاسی از مردم عصر قاجار است که در تیپ‌های مختلف با پوشش‌های متفاوت ظاهر شده‌اند. در گذر زمان، آشنایی با فرنگ از یک سو، و تمایل شاهان و حاکمان و خوانین قاجار به اتصال به حکومت‌های باستانی از سوی دیگر، در نوع پوشش‌ها (تصویر ۲) و متعاقب آن نوع خاصی از دستور زبان بصری در نمایش نقوش، خصوصاً نقوش انسانی، تأثیر گذاشته و این الگوی کلی در اغلب نقوش انسانی قاجاری و همچنین در این بنا رعایت و لحاظ شده است.

به عقیده یحیی ذکاء، سه دوره مدل پوشش برای مردم در زمان قاجار وجود دارد: دوره اول از ابتدای حکومت قاجار تا مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ، که هنوز ارتباطات با دول خارجی گسترش نیافته بود؛ دوره دوم از سفر ناصرالدین شاه تا آغاز دوره مظفری است؛ و دوره سوم از آغاز دوره مظفری تا پایان دوره قاجار را شامل می‌شود. تغییر و تحول پوشاک اغلب برای مردان در شلواریها و کلاه‌ها و برای زنان در دامن‌ها و شلیته‌ها مشاهده می‌شود.^۱

در این دوره در سراسر کشور کلاه عنصر مهم و ضروری در پوشش مردان محسوب می‌شد و اعتقادشان بر این بود که سر سلطان بدن است و باید حرمتی برای آن قائل باشند، بنابراین جز دیوانگان مردی بدون کلاه دیده نمی‌شد. در این میان «کلاه نمدی» که ارزان‌ترین کلاه‌ها بود، طرفدار بسیاری داشت، و بعد از آن «کلاه پوستی» در میان مردم خواهان داشت. برای قشر روحانی جامعه نیز «دستار» یا «عمامه» مورد استفاده قرار می‌گرفت.

همچنین در «طهران قدیم» تن پوش بسیاری از مردان لباسی بلند و گشاد به نام «جبه» یا «قبا» بود. چون این تن پوش بسیار راحت بود و دوام خوبی داشت، مردم دیگر نقاط کشور نیز از آن استقبال کردند. تا آنجا که در کل ایران جبه به عنوان لباس رسمی شناخته شد، هرچند با توجه به طبقات مختلف جامعه جنس جبه گوناگون بود. طبقات ممتاز

۱. یحیی ذکاء، (۱۳۳۶)، لباس زنان ایران از سده سیزده هجری تاکنون، تهران: بی‌نا، ص. ۳۸-۳۹.

جبه‌شان را از جنس ماهوت می‌دوختند و سایر طبقات که استطاعت خرید ماهوت را نداشتند از پارچه‌های دستباف ایرانی استفاده می‌کردند. این روپوش با ورود فرهنگ اروپایی در قالب مدل «یقه انگلیسی» دوخته می‌شد و ردیف دکمه‌ها نیز برای بستن لباس استفاده می‌شد. همه مردان بعد از پوشیدن جبه شالی به کمر می‌بستند که برایشان حکم جیب داشت. در زیر جبه یا قبا «جلیقه کوتاه» یا «ارخالیق» پوشیده می‌شد و زیر جلیقه «زیرپوش» بر تن می‌کردند. با فرارسیدن فصل زمستان نیز از پوششی به نام «کلیجه» استفاده می‌کردند که مانند مانتویی بلند و جلو باز بود و مردان به یکسان از آن استفاده می‌کردند. این بالاپوش احتمالاً قبای آستین‌بلندی بوده که روی قبای اصلی پوشیده می‌شده است. در کنار پوشاک فوق، شلوار پاچه‌گشاد نیز پوشیده می‌شد. در خصوص پوشش پای مردان قابل ذکر است که «پاتابه»، «چکمه» و «گیوه» مورد استفاده قرار می‌گرفت.



تصویر ۲. پوشش رایج مردان، عکس مربوط به دوره قاجار (آرشیو سازمان میراث فرهنگی)

در نقوش انسانی تزئینات سنگی قلعه چالستر، پوشش و مدل البسه‌ی شخصیت‌ها همانند پوشش‌های متداول عصر قاجار است. این شخصیت‌ها که شامل سرباز نگهبان، سوارکار بختیاری و فرنگی، شاه و سوارکاران و شاطرهایی همراه سوارکاران و دیگر شخصیت‌هایی با لباس مذهبی هستند، همگی با البسه‌ی مطابق با الگوهای رایج فرنگی، مذهبی، ملی و

محلّی دوره قاجار ترسیم شده‌اند.

این الگوی مشترک در دیگر آثار هنری دوره قاجار، از جمله در کاشی‌کاری (تصاویر ۹ و ۱۰)، گچ‌بری، نقاشی دیواری و تصاویر چاپ‌سنگی (تصویر ۶) نیز دیده می‌شود. البته باید توجه داشت در همین تقلید و تشابه موضوعی، تأثیر عوامل فرهنگی و بومی و ذوق درونی هنرمند، موجب تمایزهایی در سبک ترسیم شده است.

۴. گونه ملی^۱ قاجاری در نقوش انسانی تزئینات سنگی

این بخش از نقوش مربوط به شخصیت‌های داستانی و اسطوره‌ای کهن ایرانی است که با لباس، تاج و آرایش کاملاً ایرانی ترسیم شده‌اند و اغلب موضوع داستان مربوط به شکار شاه و همچنین داستان اسطوره‌ای بهرام گور و آزاده (فتنه) و شکارچی قوش به دست است، که مضمونی کاملاً ملی و باستانی دارد و لذا اشخاص پوششی ملی بر تن دارند. این دسته از نقوش حجاری شده شامل شخصیت شاه در داستان شکارهای بهرام گور و یا در حالت سوارکاری و با تاج بر سرش مشخص است. انواع تاج به‌کاررفته بر سر شاه شامل «تاج کیانی قاجاری» و «تاج قزلباش»^۲ و همچنین جامه بر تنش پیراهنی مجلل، کوتاه و چین‌دار با ردیف دکمه‌های متقابل است. بنا بر مقتضیات شکار نیز چکمه پوشیده است (تصویر ۴).



تصویر ۳. نمونه‌ای از تاج کیانی^۲

1. National Type.

۲. رک. یک خانه در نقش، ص. ۱۲۹.

۳. مهرآسا غیبی، (۱۳۸۸)، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: هیرمند، ص. ۴۱۲، ۵۵۹.



تصویر ۴. عکس و ترسیمی از نگاره شکارشاه (راست: تاج کیانی قاجاری. چپ: تاج قزلباش صفوی) هشتی قلعه چالشر. (نگارنده)

۴-۱. آزاده (فتنه)

این شخصیت مربوط است به داستان بهرام گور^۱ و به صورت گوساله‌بردوش و در حال

۱. فتنه (آزاده)، به روایت نظامی، یکی از کنیزان بهرام گور بود. بهرام روزی در شکارگاه به تقاضای فتنه تیر بر گورخری انداخت و گوش و سم حیوان را به هم دوخت. بهرام سرمست از این هنرنمایی نظر فتنه را خواستار شد. کنیزک این عمل را نه نشانه قدرت که نتیجه ممارست دانست. بهرام به خشم آمد و فرمان به کشتن او داد. اما سرهنگی که مأمور قتل کنیزک شده بود، او را در خانه‌ای دورافتاده پنهان کرد. در آنجا فتنه گوساله‌ای یافت، هر روز او را بر دوش خود می‌گرفت و از شصت پله عمارت بالا می‌برد. چند سال بعد، سرهنگ این کار شگفت‌انگیز را به بهرام نشان داد. شاه تعجب کرد، ولی این عمل را نتیجه تمرین مداوم دانست. فتنه گفت چگونه است که کار دشوار من از تمرین است ولی تیراندازی چیره‌دستانه شاه چنین نیست. بهرام او را بازشناخت و پوزش خواست.

| شناسایی و معرفی هویت‌های چندلایه شخصیت‌های انسانی نقوش سنگی ... | ۱۰۵

بالارفتن از پله مشخص می‌شود. پیراهن بلند چین‌دار بر تن و در کنار بهرام گور در حالت سوارکاری و شاطرش در هشتی حجاری شده است. قابی که مربوط به شخصیت آزاده است در واقع دو جریان حیرت‌انگیز قصه را به تصویر کشیده است، یکی به هم دوختن گوش و سم گورخر توسط بهرام که موجب تحیر و انگشت به دهان گرفتن آزاده شده، و دیگری گوساله بر دوش کشیدن آزاده و طی نمودن پله‌های فراوان که موجب تحیر بهرام شده است (تصویر ۵).



تصویر ۵. عکس و ترسیمی از نگاره شکار بهرام گور و داستان بهرام و آزاده. هشتی قلعه چالستر. (نگارنده)



تصویر ۶. شکار بهرام گور چاپ سنگی^۱

۱. اولریش مالروف، (۱۳۹۴)، بیست مقاله در باب چاپ سنگی در ایران، ترجمه محمدجواد احمدی‌نیا، تهران: عطف، ص. ۴۵۵.

نمونه مشابه تصاویر با مضمون داستان شکار بهرام گور در کتاب‌های چاپ سنگی دوره قاجار دیده می‌شود. وجود ویژگی‌های ساختاری در تصاویر چاپی نظیر نقش عنصر بصری خط، حذف رنگ، عدم توجه به سایه‌روشن و پرهیز از طبیعت‌پردازی^۱، وجوه مشترک تصاویر چاپ سنگی و حجاری‌های این بخش از قلعه چالستر است. شباهت میان شیوه ترسیم سر و بدن از رویرو، پا از کنار، گزیدن انگشت نشان از تحیر، استفاده از تاج کیانی برای پادشاه و کلاه مخروطی شاطر از جمله وجوه مشترک در نقوش انسانی هر دو تصویرسازی هستند (تصویر ۶).

۲-۴. شاطر

به گروهی از مردان چست و چالاک گفته می‌شود که قادر بودند مسافت‌های طولانی را بدون احساس خستگی و با سرعت بدونند. این افراد اغلب پیشاپیش مسیر شاه حرکت می‌کردند و ورود او را اطلاع می‌دادند.^۲

این افراد با حالتی از استقبال، بدرقه یا محافظت، پیشاپیش شخصیت اصلی نگاره حرکت می‌کنند. کلاهی مخروطی شکل به سردارند و گاهی اوقات ابزاری شبیه چوب‌دستی یا شلاق در دستانشان دیده می‌شود. شخصیت «شاطر» با مشخصات فوق در اغلب نگاره‌های ایران، حتی قبل از دوره قاجار نیز قابل شناسایی است.^۳ این نقش در قلعه چالستر در قسمت ورودی و هشتی همراه سوارکار شکارچی یا شاه دیده می‌شود و از کلاهی که بر سر دارد و در حال دویدن پی شکار است می‌توان هویت آن را تشخیص داد (تصاویر ۴ و ۷).

۱. عبدالمجید حسینی‌راد و زهرا خان‌سالار، (۱۳۸۴)، «بررسی کتاب‌های چاپ سنگی دوره قاجار»، هنرهای زیبا، ش. ۲۳، ص. ۷۷-۸۶.

۲. منیره سادات نقوی و محسن مراثی، (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی با تأکید بر دیوارنگاره‌های کاخ چهلستون اصفهان»، مطالعات تطبیقی هنر، س. ۲، ش. ۳، ص. ۶.

۳. یک خانه در نقش، ص. ۱۳۱.

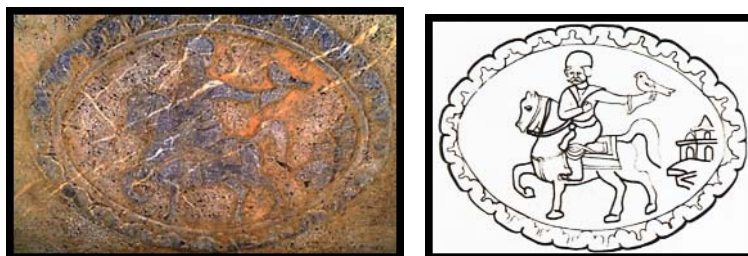


تصویر ۷. شاطر و سوارکار، ورودی عمارت قلعه چالستر. (نگارنده)

۳-۴. قوشچی

پرنده شکاری مانند باز، شاهین، قوش و یا حتی عقاب نشسته بر دست شاهزاده یا سوارکار می‌تواند حکایتگر مفهوم شکار باشد. نقوشی از این دست که در آنها سلاح گرم یا سرد دیده نمی‌شود، به صورت غیرمستقیم به مفهوم شکار اشاره دارد. بنابراین تربیت این پرندگان از لوازم مخصوص شکار سلطنتی محسوب می‌شد و معمولاً شکارگر قوش به دست، یا شخص شاه بوده یا قوشچی. مشخصه‌های شاه عبارت‌اند از تاج پادشاهی بر سر و حرکت جلوتر از سایرین، به طوری که همیشه خدمتکارانی پشت سرش در حرکت‌اند. پادشاه معمولاً آلات و ابزار شکار همراه دارد، و اگر سوارکار این ویژگی‌ها را نداشته باشد، قطعاً قوشچی است. نگاره‌های فراوانی از اواخر صفویه تا عصر قاجار با نقش قوش و قوشچی به وجود آمده‌اند و وجود تشکیلات گسترده اداری-درباری برای قوشخانه اهمیت این حرفه را نشان می‌دهد.

در مراسم شکار پادشاهان چشمان پرنده‌ی باز را می‌بستند و آن را روی دست می‌گرفتند و همین که پرنده‌ی مورد نظر برای شکار در آسمان پیدا می‌شد کلاه را از سرش برمی‌داشتند و پروازش می‌دادند.^۱ قدیم‌ترین نگاره‌ای که با این موضوع تصویرگری شده مربوط به دیوارنگاره‌ای از نیشابور است که شکارگر قوش‌به‌دست را تصور کرده است.^۲ تصاویری با این مضمون یکی در قسمت ورودی و دیگری اطراف حوض این عمارت مشاهده می‌شود (تصویر ۸).



تصویر ۸. شکارگر قوشچی، حوض خانه احمدخان. (نگارنده)

۵. گونه مذهبی^۳ قاجاری در نقوش انسانی تزئینات سنگی

استفاده از شخصیت‌های مذهبی در تزئینات سنگی قلعه چالشر، هرچند کمترین تعداد نقوش انسانی را به خود اختصاص داده است، نشان از اهمیت مسائل اعتقادی و مذهبی نزد صاحبان و دست‌اندرکاران ساخت این بنا دارد، از جمله دو تصویر نقش‌پردازی‌شده از سوارکار ملبس به لباسی با فرم عربی. این دو شخصیت با داشتن پوشش سر عمامه‌گونه و بر تن داشتن عبا، در جایی حامل بیرق (تصویر ۱۲) و در جای دیگر نیزه‌به‌دست (تصویر ۱۱) و در حال سوارکاری هستند. شخصیت «بیرق‌به‌دست» تزئینات سنگی قلعه چالشر تشابه فراوانی با شخصیت «حضرت ابوالفضل» در کاشی‌های «تکیه معاون‌الملک» کرمانشاه دارد. این بنا کاربردی کاملاً مذهبی داشته و مجموعه‌ای گسترده از

۱. محمدجعفر یاحقی، (۱۳۸۶)، فرهنگ و اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، ص. ۱۱۵، ۱۲۷.

۲. رویین پاکباز، (۱۳۸۸)، تقاشی ایران از دیروز تا امروز، تهران: زرین و سیمین، ص. ۵۱.

3. Religious Type.

| شناسایی و معرفی هویت‌های چندلایه شخصیت‌های انسانی نقوش سنگی ... | ۱۰۹

کاشی‌کاری‌های متنوع با این نوع مضامین را در خود جای داده و سند مناسبی برای جستجوی مؤلفه‌های مذهبی در تزئینات معماری قاجاری است (تصاویر ۹، ۱۰ و ۱۲).



تصاویر ۹ و ۱۰. شخصیت‌های مذهبی در تکیه معاون‌الملک کرمانشاه. (نگارنده)



تصویر ۱۱. سوارکار نیزه‌به‌دست با پوشش مذهبی، شخصیت مذهبی در ورودی قلعه چالستر. (نگارنده)



تصویر ۱۲. سوارکار بیرق‌به‌دست با شخصیت مذهبی در ورودی قلعه چالستر. (نگارنده)

نکته حائز اهمیت در این بخش از تزئینات قلعه چالستر آن است که الگوی مذهبی قاجاری با الگوی ملی، که همانا سوژه‌ی شاطر و سگ شکاری بود، ترکیب شده و از جنبه مذهبی

آن کاسته است، و این چیزی نیست جز همان «بومی‌سازی» نقوش که تحت نفوذ فرهنگ بختیاری صورت یافته است. ایشان معتقدند شکار فقط کار بزرگ‌مردان است و بنابراین هنرمند حجار از این طریق خواسته ارزش و عزت شخص شکارچی را به حد مردان بزرگ مذهبی ارتقاء دهد.

۶. گونه فرنگی^۱ قاجاری در نقوش انسانی تزئینات سنگی

شخصیت‌های زن و مرد با لباس فرنگی، از جمله لباس چین‌دار، کت اندامی و کلاه‌های فرنگی، همچنین مدل موها، تأثیر عمیقی بر هنر تصویرگری نقوش انسانی عصر قاجار داشته است. در واقع ورود این گونه تصاویر به هنر قاجاری بعد از سفر ناصرالدین شاه به اروپا رخ داده است. تحت تأثیر هنر اروپایی قرار گرفتن فرهنگ ایرانی و آگاهی بختیاری‌ها از این تغییرات فرهنگی در منطقه چهارمحال و به خصوص قلعه چالستر نیز رخ نموده است. استفاده از طرح شخصیت‌های فرنگی در چهار شکل حاکی از این امر است.

۶-۱. زن فرنگی

این نقش که در قسمت ازاره‌های ورودی بنا حجاری شده است، زنی ملبس به پیراهنی چین‌دار و بلند، موهای بسته و کلاه کج بر سر را نشان می‌دهد. این زن در حال سوارکاری و شکار پروانه^۲ است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳. زن با لباس فرنگی، ورودی قلعه چالستر. (نگارنده)

1. European Type.

۲. با توجه به آلت شکار در دست راستش.

| شناسایی و معرفی هویت‌های چندلایه شخصیت‌های انسانی نقوش سنگی ... | ۱۱۱

«بومی‌سازی» نقش در اینجا نیز صورت گرفته است، چنان که مضمون «شکار» با «شکارچی زن» و متناسب با جنسیت شکارگر، سوژه شکار سبک و لطیف شده است (پروانه) و گویا شکار صرفاً جنبه‌ی تفریحی داشته است. عدم حضور شاطر و سگ شکاری نیز دلیلی بر این مدعا است، خصوصاً که حضور محافظی مسلح برای حفاظت از زن سوارکار با «پوشش محلی» پشت سر او تلفیقی جذاب از فرهنگ فرنگی و بختیاری ایرانی را پدید آورده است.

۲-۶. مرد فرنگی

این نقش نیز در قسمت ازاره‌های ورودی بنا حجاری شده و چنان که مشاهده می‌شود این مرد ایستاده در فضایی با پرده‌های تزئینی، ملبس به لباس نظامی اروپایی است و مدل موی فرنگی دارد (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴. جوان با یونیفرم فرنگی، ورودی قلعه چالستر (نگارنده)

شباهت فراوان این تصویر به قاب عکس ظن را بر این می‌برد که این تصویر از روی عکس کپی برداری شده باشد. برخی شاهزادگان قاجاری در این دوران پیرو مدل آرایش مو و لباس اروپایی بودند و با استفاده از دوربین عکاسی در ژست‌هایی مشابه رجال نظامی اروپایی از خود تصاویری تهیه می‌کردند (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵. شاهزاده قاجار با تیپ و یونیفرم اروپایی. (آرشیو میراث فرهنگی)

۷. گونه محلی بومی^۱ در نقوش انسانی تزئینات سنگی

بختیاری‌ها در دوره قاجار بخشی از ارتش ایران بودند، چرا که در این دوران کشور فاقد یک ارتش مدرن با معیارهای رایج بود و لذا نیروهای بومی نواحی مختلف به صورت نیروهای کمکی جمع‌آوری می‌شدند و تحت رهبران قبایل خودشان خدمت می‌کردند. بدیهی است در چنین شرایطی هر منطقه نیروهای ارتشی مختص به خود را داشته باشد که از طریق پوشش و آرایش ظاهری میان خود و دیگر نیروها تمایز ایجاد کنند. ارتش بختیاری نیز پوشش مخصوص خود را داشته است که طبق تقسیمات عمومی ارتش قاجاری یعنی نگهبانان ویژه سلطنتی، سواره‌نظام نامنظم، و سواره‌نظام و پیاده‌نظام ایلی^۲ الگوسازی شده است.

علاوه بر این در منطقه چهارمحال و بختیاری همانند همه مناطق بومی «پوشش محلی» خاص این قوم وجود داشته است. از این رو در نقوش انسانی تزئینات سنگی این بنا نگهبانان و شخصیت‌های محلی با البسه‌ای شامل کلاه نم‌دی، پاپوش و کفش، کمر بند و پوشش روی لباس در قالب نگهبانان و سوارکاران ظهور یافته‌اند. این فرم از لباس گواه استفاده از فرهنگ و عناصر بومی منطقه چهارمحال و بختیاری در الگوهای رایج پوشش

1. Local Type.

۲. علی اصغر شمیم، (۱۳۸۷)، *ایران در دوره سلطنت قاجار: قرن سیزده و نیمه اول قرن چهاردهم*، تهران: بهزاد، ص. ۵۴-۵۷.

| شناسایی و معرفی هویت‌های چندلایه شخصیت‌های انسانی نقوش سنگی ... | ۱۱۳

قاجاری است. در واقع هنرمند حجار قلعه چالشر با الگوبرداری از نحوه آراستن بناهای همعصر خود، و الهام از محیط و فرهنگ خود، سعی کرده فرهنگ منطقه را منعکس کند و به عناصر تزئینی رنگ‌وبوی قومی بدهد، به نحوی که بیننده با مشاهده چنین تزئیناتی متوجه روح حاکم بر نقش می‌شود و حال‌وهوای فضای بختیاری را درمی‌یابد.

در فرهنگ بختیاری کلاه نمدی یکی از مهم‌ترین اجزای پوشش بختیاری است، به نحوی که هرچه فرد مقام والاتری داشته کلاه بزرگ‌تری بر سر داشته که به آن «کلاه خسروی» می‌گفتند. در نقوش انسانی قلعه چالشر نیز اهمیت این کلاه از آنجا نمایان می‌گردد که کلاه سربازان محلی نیمی از سر را فراگرفته است.

البسه عصر قاجار در عکس‌های بازمانده از این دوره نمایانده شده (تصویر ۱۶)، و می‌توان مشابهت بین آنها و لباس‌های نگهبانان و شخصیت‌های محلی مندرج در تزئینات این بنا را ملاحظه کرد.



تصویر ۱۶. سربازان دوره قاجار. (آرشیو شخصی)

۱-۷. سرباز نگهبان

نقش سرباز نگهبان که بیشترین تعداد نقش‌های انسانی را در قسمت ورودی این بنا به خود اختصاص داده است، از دو سرباز عظیم‌الجثه در دو طرف دروازه گرفته تا سربازان حجاری‌شده بر آزاره‌های کوتاه صحن جلوخان قسمت ورودی، با پوشش محلی منطقه چهارمحال و بختیاری حجاری شده‌اند.

حضور سرباز نگهبان در قسمت ورودی به عنوان پاسدار دروازه، سنتی دیرینه و باستانی است که نمونه شاخص آن سربازان حجاری شده در تخت جمشید است (تصویر ۱۷).

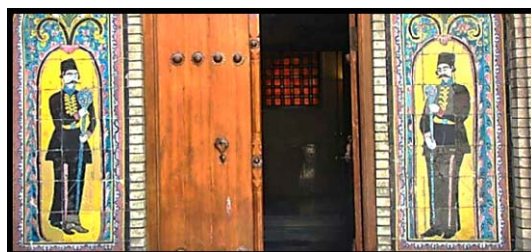


تصویر ۱۷. سربازان نگهبان تخت جمشید. (نگارنده)

این سنت در سایر بناها و کاخ‌های شاهان عصر قاجار نظیر سردر ورودی عمارت بادگیر «کاخ گلستان» نیز دیده می‌شود (تصویر ۱۹). همچنین نمونه دیگری از سربازان نگهبان در بنای «نارنجستان قوام» دیده می‌شود که با لباس و کلاهی مشابه لباس ارتشی قاجار حجاری شده‌اند (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸. سرباز مسلح ورودی باغ نارنجستان قوام شیراز (نگارنده).



تصویر ۱۹. سربازان نگهبان عمارت بادگیر کاخ گلستان. (نگارنده)

با پیروی از سنت یادشده‌ی قاجاری در بنای مذکور نیز سربازان با فرم نظامی نگهبانان ویژه سلطنتی منقوش شده‌اند. ولی سربازان نگهبان دروازه بنای قلعه چالستر با پوششی غیررسمی و به صورت محلی منطقه چهارمحال و بختیاری حجاری شده‌اند. نمونه مشابه این گونه پوشش سرباز در سایر قلعه‌های مربوط به دوره قاجار استان چهارمحال و بختیاری نیز دیده می‌شود. این قلعه‌ها شامل «قلعه شلمزار» یا خانه «صمصام السلطنه» و «قلعه شمس‌آباد» می‌باشند (تصاویر ۲۰ و ۲۱).

بناهای مذکور تقریباً همزمان با قلعه چالستر ساخته شده‌اند، و می‌توان گفت همه ویژگی‌هایی که در سربازان نگهبان قلعه چالستر وجود دارد در دو قلعه اخیر نیز دیده می‌شود.



تصویر ۲۰. سربازان نگهبان ورودی قلعه شمس‌آباد.



تصویر ۲۱. سربازان نگهبان قلعه شلمزار، چهارمحال و بختیاری (نگارنده)

سربازان حجاری شده قلعه چالستر به لحاظ پوشش بیشتر شبیه به سربازان حجاری شده نارنجستان قوام شیراز هستند (تصاویر ۱۸ و ۲۲). اما جدا از اهمیت و مشترک بودن کلاه، روپوشی که به حالت کت بر تن دارند تفاوت‌هایی دارد. نگهبانان محلی تصویر شده در ورودی قلعه چالستر کت‌های ساده‌تر و کوتاه‌تر به تن دارند و باز بودن جلوی کت حالت غیررسمی را تشدید می‌کند (مقایسه تصاویر ۱۸ و ۲۲). این مدل پوشش حاکی از قیدوبند کمتر سربازان این بناست، چرا که از حیث اعتبار در مقام کاخ نبوده و بیشتر خانه‌ای خانی بوده است. همچنین شلوار چسبان و پاپوش آنها پاتابه و یا چکمه بلند است، حال آن که نمونه مشابه در نارنجستان با شلواری گشادتر و کفش حجاری شده‌اند.

دیگر خصیصه مهم تصویرگری در این بنا در خصوص اهمیت «کلاه خسروی» در میان قوم بختیاری است. در بین این قوم مرسوم چنان بوده که افراد بنا بر حالات روانی مختلف کلاه را به عقب و جلو می‌کشانده‌اند و حالات شخصیتی متفاوت از این طریق بروز داده می‌شده است. از این رو در حجاری هر سه بنای استان چهارمحال و بختیاری کلاه‌ها موازی خط افق و حتی تا خط ابرو که به نوعی ایجاد اخم می‌نماید جلو است (تصویر ۲۲). ولی در حجاری‌های نارنجستان خط کلاه با هلال پیشانی هم‌تراز شده است.



تصویر ۲۲. نگهبانان محلی، ورودی قلعه چالستر. (نگارنده)

۲-۷. شکارگر

وجود مضمون شکار در تزئینات سنگی قلعه چالستر به طور شاخص جلب توجه می‌کند. لایارد در سفرنامه خود به این منطقه از اهمیت ویژه آیین شکار و وجود حیوانات وحشی و امر شکار به کرات یاد کرده است. همچنین خوانین منطقه را مجهز به قوش و سگ‌های

شکاری دانسته است.^۱ دالمانی نیز از عشق مفرط بختیاری‌ها به شکار سخن گفته است.^۲ چنان که در تزئینات این بنا مشاهده می‌شود شکارگران به همراه سلاح‌های گرم یا سرد، ملبس به لباس محلی منطقه چهارمحال و بختیاری هستند. گویی غرض آن بوده که آیین شکار به عنوان افتخارات خوانین این قلعه و مردم این منطقه در تزئینات بنا ثبت گردد (تصویر ۸).

آنچه تاکنون در باره‌ی خصایص نقوش انسانی این بنا و شیوه‌های متفاوت نقش‌پردازی گفته شد با جنبه‌های زیباشناسانه که در قالب کیفیت بصری هر نقش وجود دارد مرتبط بوده و کاربرد هر نقش را مستدل‌تر می‌سازد. لذا تکمیل مطالب مستلزم نگاهی از این منظر است.

۸. تناسب و موقعیت‌های مکانی نقوش انسانی در تزئینات سنگی

تزئینات سنگی قلعه چالستر به لحاظ موقعیت‌های مکانی مختلف تفاوت‌های موضوعی زیادی دارند، و به نظر می‌رسد طراح تزئینات و حجار به نسبت بستر و موقعیت موجود طرح متناسب با شرایط ارائه داده است، چنان که نقوش انسانی در فضای ورودی به سربازان نگهبان اختصاص یافته است. این نگهبانان که شامل پیکره‌های دو طرف دروازه و نقش برجسته‌های ازاره‌های کوتاه طرفین در ورودی هستند، فقط در این قسمت از بنا مشاهده می‌شوند و در تزئینات داخل بنا وجود ندارند. این امر نماد حفاظت شدید ورودی بنا است. از طرفی پیکره‌های مجسمه‌وار نگهبانان ورودی در سطح و فضایی دو برابر ازاره‌های مجاور به لحاظ ارتفاع حجاری شده‌اند که خود بر اهمیت و قدرت نگهبانی این شخصیت‌ها دلالت می‌کند (تصویر ۱).

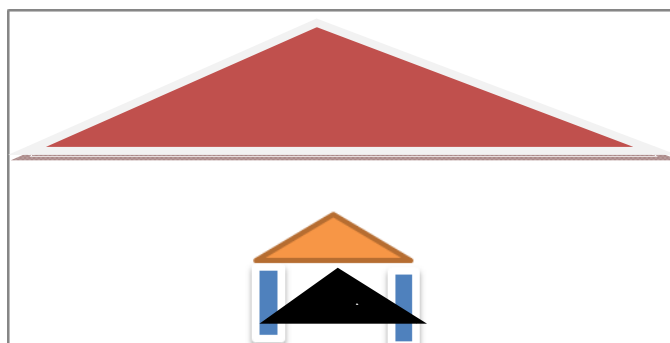
طرح خاص نمای ورودی این تأثیرات بصری را پررنگ‌تر می‌سازد چرا که شاهد

۱. اوستین هنری لایارد، (۱۳۷۶)، *سفرنامه لایارد نبرد محمدتقی خان بختیاری با حکومت قاجاریه*، ترجمه مهرب امیری، تهران: انزان، ص. ۱۳۳، ۱۳۲، ۱۰۱، ۷۷.

۲. هانزی رنه دالمانی، (۱۳۳۵)، *از خراسان تا بختیاری*، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر، ص. ۱۰۲۷.

ترکیب فرم مثلث و مستطیل از دید روبروی ساختمان هستیم. مثلث سردر که مزین به نقوش فرشته و تاج است، با قسمت سنتوری آجرکاری شده و گچ‌بری شده شیروخورشید و با اتصال به دو ستون ورودی که به موازات هم هستند، تناسبی تشکیل داده است. این فرم وارداتی از فرنگ، در واقع در قسمت ورودی فرم مثلث و خطوط مورب که تأثیرگذارترین خطوط است را سبب شده است (طرح شماره ۱). این شکل که پایدارترین شکل هندسی است، نوعی ایستایی و توازن ایجاد می‌کند و به واسطه اضلاع شیب‌دار سطحی مهاجم و شکلی ستیزنده به وجود آورده و به دلیل وجود نقطه رأس که انرژی و نیروی شکل را به بیرون منتقل می‌کند، خطر و دلهره را سبب می‌شود.

لذا می‌توان گفت شخصیت تهاجمی و برندگی مثلث که ایجاد رعب می‌کند، در تقویت نیروی مراقبتی نگهبانان عظیم‌الجثه‌ی مسلح دروازه قلعه چالستر مؤثر بوده و این شکل شخصیت سربازان را قوی‌تر و پررنگ‌تر می‌سازد.



طرح خطی و رنگی شماره ۱. خطوط مربوط به سنتوری (نگارنده)

رنگ آبی: فضای مربوط به نگهبانان مسلح در ورودی

رنگ مشکی: فضای مربوط به امتداد فشنگ نگهبانان

رنگ نارنجی: فضای کتیبه سردر و نقش فرشته

رنگ صورتی: سنتوری بنا

۹. ریتم و حالات نقوش انسانی در تزئینات سنگی

با توجه به این که گونه‌های مختلف تزئینات سنگی قلعه چالستر در قسمت‌های مختلف تکرار شده‌اند، نوعی ضرب‌آهنگ و توالی پدید آمده که به لحاظ زیبایی بصری اهمیت ویژه‌ای یافته است.

این تکرار در نوع نقوش و مضمون آنها قابل بررسی هستند. در قسمت ورودی بنای قلعه چالستر، نقوش انسانی به صورت سوارکار و نگهبان در ابعاد و اندازه یکسانی به صورت تناوبی تکرار شده‌اند. در واقع ریتم تناوبی در نقوش انسانی با پوشش محلی به صورت سوار و نگهبان وجود دارد. اما در قسمت هشتی بنا، مضمون شکار شاه در پنج ضلع هشتی تکرار شده است.

نکته مهم دیگر در تزئینات سنگی با نقش انسانی این است که جهت حرکت و صورت شخصیت‌های مندرج بر ازاره‌ها در دو طرف دروازه به سمت در ورودی است (تصویر ۲۳)، و این موضوع در قسمت هشتی نیز تکرار می‌شود، ولی جهت حرکت شخصیت‌ها (و حتی شکار) رو به در منتهی به داخل عمارت است. این مسائل اشاره بر بومی بودن نقوش و انطباقشان با فرهنگ و عقاید ساکنین قلعه دارد، به گونه‌ای که هر بخش از مدخل و ورودی بنا جایگاه و کارکردی ویژه داشته است.



تصویر ۲۳. تصویری کلی از حالات و جهت حرکت سوارکاران به سمت دروازه، ورودی قلعه چالستر. (نگارنده)

۱۰. تکنیک و نحوه‌ی اجرای نقوش انسانی در تزئینات سنگی

در این قلعه بنا به سائز و اندازه و همچنین جایگاه هر نقش، تکنیک اجرای کنده‌کاری نیز تغییر کرده است، به طوری که همه نقوش انسانی در یک اندازه و یک سائز و با تکنیک نیم‌برجسته (بارولیف) اجرا شده‌اند، به جز نقش سربازان نگهبان ورودی که چون باید حضوری پر قدرت، چشمگیر و حجیم داشته باشند، به صورت مجسمه‌وار و ترکیبی از تکنیک نیم‌برجسته و تمام‌برجسته (بارولیف و ارولیف) خلق شده‌اند (تصویر ۲۴). اهمیت این موضوع نیز در این است که این گونه اختلاف حجم در بناهای هم‌دوره نمونه مشابه ندارد. این نیز به نوبه خود بومی بودن نقش را نشان می‌دهد.



تصویر ۲۴. تکنیک حجاری سرباز نگهبان و تفاوت سائز چشمگیر آن با نقوش مجاور. (نگارنده) جدول صفحه بعد داده‌های این پژوهش را به طور خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۱. معرفی هویت‌های انسانی در تزئینات سنگی قلعه چالستر (نگارنده)

گونه	شخصیت‌ها	نحوه شناسایی	موقعیت مکانی	تعداد (نفر)
ملی	شاه	تاج کیانی و قزلباش	ورودی و هشتی	۶ (تصاویر ۴ و ۵)
	شاطر	حالت بدرقه و یا دیدن همراه سوارکار	ورودی و هشتی	۸ (تصاویر ۵ و ۷)
	قوشچی	دستکش به دست یا پرنده نشسته بر دست	ورودی و حیاط خانه احمدخان	۲ (تصویر ۸)
	آزاده (فتنه)	گوساله بر دوش و در حال بالا رفتن از پله	هشتی	۱ (تصویر ۵)
مذهبی	سوارکار نیزه به دست	عبا و عمامه	ورودی	۱ (تصویر ۱۱)
	سوارکار بیرق به دست	عبا و عمامه	ورودی	۱ (تصویر ۱۲)
فرنگی	زن فرنگی	دامن چین‌دار، کلاه، کت جذب کوتاه، شکار پروانه	ورودی	۱ (تصویر ۱۳)
	مرد فرنگی	ملبس به فرم نظامی، کلاه اروپایی	ورودی	۳ (تصویر ۱۴)
محلی	سرباز نگهبان	کلاه نمدی، پاپوش، کت متوسط	ورودی	۷ (تصویر ۲۲)
	شکارگر	کلاه نمدی، پاپوش، کت متوسط، سلاح گرم یا سرد	ورودی و حیاط خانه احمدخان	۶ (تصویر ۷ و ۸)

انواع گونه‌های انسانی

۱۱. نتیجه‌گیری

مشاهدات و بررسی‌ها نشان داد که در تزئینات سنگی بنای قلعه چالشر نقوش انسانی بنا به موضوعیت خود در موقعیت مکانی خاص قرار گرفته‌اند و بر اساس مقصودی که از ترسیم آنها مد نظر بوده هویت یافته‌اند. در این راستا پس از انتخاب سوژه و موضوع تصویر، فرم پوشش و لباس، تعیین‌کننده هویت نقوش انسانی بوده و در این امر پیروی از ویژگی‌های الگوهای عمومی دوره قاجار یعنی سه الگوی ملی، مذهبی و فرنگی کاملاً روشن است، که در مواردی نگرش‌ها و باورهای مسلط بومی دخالت نموده و نقوش مورد بحث را جلوه‌ای بختیاری و برخاسته از فرهنگ این قوم بخشیده است.

نقوش انسانی تصویرشده در این بنا در مجموع شامل چهار گونه شخصیت است: «گونه ملی و ایرانی» مثل شاه، بهرام گور، آزاده (فتنه) و شاطر؛ «گونه مذهبی»، مثل سوارکاران ملبس به عمامه و روپوش عربی که بیرق و نیزه در دست دارند؛ «گونه فرنگی» مثل زن سوارکار و مرد یونیفرم‌پوش؛ و «گونه محلی-بومی» مثل سربازان نگهبان و یا شکارچی به همراه سلاح گرم یا سرد.

سه مورد اول کلیتی است که در شاخه‌های مختلف هنر قاجار قابل رؤیت و تشخیص است، ولی مورد اخیر فقط در «قلعه‌های منطقه چهارمحال و بختیاری» دیده می‌شوند و معرف سلیقه و «هنر قومی» این منطقه است. از ویژگی‌های آن می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

- پوشش سربازان نگهبان محلی با سرهای بزرگ و کلاه نمدی خسروی، همچنین نمایش حالات اخم و تهاجمی نگهبان از طریق جلو کشیدن این کلاه برای جذب بیشتر، کوتاه‌تر بودن کت نگهبانان حجاری‌شده این منطقه نسبت به سایر نقوش در بناهای ایران و عدم دارا بودن مدل خاص برای کت و لباس.
- همسویی نقوش در بخش ورودی و هشتی با جهت حرکت متناسب با مسیر ورود، همچون علامت راهنما برای ورودی و درهای منتهی به داخل بنا.
- نمایش اهمیت و جایگاه ورودی بنا و نحوه عملکرد آن به مدد نقوش انسانی با هیبت و خصوصیات نمایشی و تکنیکی متفاوت و با کمک قواعد بصری و زیبایی‌شناسانه‌ی

به‌کاررفته در طراحی نما میسر شده است.

- رابطه مستقیم نقوش و عملکرد آنها با فضا و موقعیت مکانی‌شان؛ نقش انسان در قالب نگهبان فقط در قسمت ورودی وجود دارد و ناظر به محافظت از دروازه است. این در حالی است که نگهبانان درون حیاط‌ها ورود پیدا نکرده‌اند.
- تأکید بر اهمیت و شأن شکار در مفهوم محلی آن به واسطه الگوپذیری از گونه‌های مذهبی تصویرپردازی قاجاری، نظیر نمایش اشخاص در صحنه شکار با شباهت ظاهری به شخصیت‌های مذهبی، که بدین طریق اشاره به شیرمردی و بزرگی شکارگر دارد.
- نمایشی مشابه از زن فرنگی، اما با الگویی کاملاً قومی و بومی، مثل تصویر کردن زن در مقام شکارچی و البته با حضور نگهبان محلی برای حفاظت از وی.
- در میان نقوش چهارگانه انسانی، سربازان محلی بیشترین نفرات را به خود اختصاص داده‌اند. این امر ریشه در موقعیت ویژه و اعتمادبه‌نفسی است که از نفوذ بختیاری‌ها در جریان‌ات سیاسی دوره قاجار به خصوص از جریان مشروطه به بعد حاصل شده بود و هنرمند با قدرت تمام این اشخاص را در تزئینات سنگی قلعه چالستر پرننگ و پرتعداد نمایش داده است.

منابع و مآخذ

- آخوندی، اردشیر، (۱۳۷۲)، «قلاع استان چهارمحال و بختیاری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر سوسن بیانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- پاکباز، روبین، (۱۳۸۸)، *تقاشی ایرانی*، تهران: زرین و سیمین.
- حسینی‌راد، عبدالمجید، و زهرا خان‌سالار، (۱۳۸۴)، «بررسی کتاب‌های چاپ سنگی دوره قاجار»، *هنرهای زیبا*، ش. ۲۳، ص. ۷۷-۸۶.
- دالمانی، هانری رنه، (۱۳۷۸)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، غلامرضا سمیعی، اصفهان: طاووس.
- ذکاء، یحیی، (۱۳۳۶)، *لباس زنان ایران از سده سیزده هجری تاکنون*، تهران: بی‌نا.
- رنج‌دوست، شبنم، (۱۳۸۷)، *تاریخ لباس ایران*، تهران: جمال هنر.
- شمیم، علی‌اصغر، (۱۳۸۷)، *ایران در دوره سلطنت قاجار: قرن سیزده و نیمه اول قرن چهاردهم*، تهران: بهزاد.
- غیبی، مهرآسا، (۱۳۸۸)، *هشت هزارسال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*، تهران: هیرمند.
- لایارد، اوستین هنری، (۱۳۷۶)، *سفرنامه لایارد نبرد محمدتقی خان بختیاری با حکومت قاجاریه*، ترجمه مهراب امیری، تهران: انزان.
- مالروف، اولریش، (۱۳۹۴)، *بیست مقاله در باب چاپ سنگی در ایران*، ترجمه محمدجواد احمدی‌نیا، تهران: عطف.
- یاحقی، محمدجعفر، (۱۳۸۶)، *فرهنگ و اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- یزدان‌پناه، حسن، (۱۳۹۳)، *یک خانه در نقش*، اصفهان: گلدسته.
- نقوی، منیره، و محسن مراثی، (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی کلاه مردان در سفرنامه‌ها و نگاره‌های دوران صفوی»، *مطالعه تطبیقی هنر*، ش. ۳، ص. ۱-۱۹.